

شرکت‌های سهامی زراعی مدل توسعه اگروپولیتن^۱ در ایران (بخش اول: ادبیات موضوع و تاریخچه)

نویسنده: دکتر شهریار پاک‌نیا^۲

چکیده

این مقاله به دنبال طرح این نظریه است که شرکت‌های سهامی زراعی مدل توسعه اگروپولیتن (شهرک‌های کشاورزی) در ایران بوده‌اند. سرمایه‌گذاری‌های بسیار متمرکز در مناطق شهری به اثر رخنه به پایین^۳ برای مناطق روستایی منجر نگردید؛ از این روی دیدگاه‌هایی پا گرفت که پیوندها با اقتصاد شهری^۴ را به حداقل و خودکفایی مناطق روستایی را به حداکثر برسانند. با این وجود بعضی اندیشمندان مخالف این دیدگاه می‌باشند و استدلال می‌کنند که مناطق روستایی نمی‌توانند یک اقتصاد شهری را باز تولید نمایند؛ زیرا تمرکز جمعیت، لازمه تولید کالاها و خدمات متنوع برای برآوردن نیازها و خواسته‌های مردم می‌باشد. در عوض رشد اقتصاد روستایی پایدار باید از طریق تخصصی کردن کالاهایی که در آن مناطق مزیت نسبی دارند تعقیب و پیگیری شود. تنها، جریانی متعادل، می‌تواند به پیوند سالم بین روستا و شهر از طریق توسعه مناطق یا مراکز شهری کوچک کمک نماید. این مراکز شهری کوچک نقش تأمین‌کننده خدمات شهری و همچنین نقش گردآورنده و فرآورنده محصولات روستایی را بر عهده دارند. این مراکز شهری کوچک همان اگروپولیتن‌ها هستند. چارچوب نظری این مقاله بر اساس دیدگاه‌ها و نظریات روندینلی، فریدمن و داگلاس، پرادهن، تعاریف MOA، سائف‌الحکیم، انور، راستدی، جونگ و اسمیت شکل گرفته است. این مقاله بخش اول از دو مقاله در موضوع ماهیت و ارزیابی عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی در کشورمان است. قرار است در بخش دوم این مقاله در نوبت بعدی، پس از بحث و بررسی و تحلیل آراء، تعریف اگروپولیتن، هدف توسعه اگروپولیتن، و معیارها و ملاک‌های اگروپولیتن بر اساس تجربه دو شرکت سهامی زراعی در استان خراسان جنوبی مورد بررسی و جمع‌بندی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: اگروپولیتن، شرکت‌های سهامی زراعی، توسعه روستا-شهر، کشاورزی تجاری، شهرک‌های کشاورزی.

^۱ Agropolitan Development

^۳ Trickle down effect

^۴ Urban economy

چارچوب مفهومی، توسعه اگروپولیتن

برنامه‌ها و اقدامات توسعه روستایی پاسخی به کاستی‌ها و عدم موفقیت توسعه و تحولات در مناطق شهری می‌باشد (لیپتن^۵، ۱۹۷۷). واقعیات نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری‌های بسیار متمرکز در مناطق شهری به اثر رخنه به پایین برای مناطق روستایی منجر نگردید. دیدگاه‌هایی وجود دارد که پیوندها با اقتصاد شهری را به حداقل و خودکفایی مناطق روستایی را از طریق بالا بردن پتانسیل‌ها به حد اکثر برسانند. با این وجود روندینلی^۶ (۱۹۸۵) مخالف این نظریه است. وی استدلال می‌کند که مناطق روستایی نمی‌توانند یک اقتصاد شهری را باز تولید نمایند؛ زیرا تمرکز جمعیت لازمه تولید کالاها و خدمات متنوع برای برآوردن نیازها و خواسته‌های مردم است. در عوض رشد اقتصاد روستایی پایدار باید از طریق تخصصی کردن^۷ کالاهایی که در مناطق مزیت نسبی دارند تعقیب و پیگیری شود. با تخصصی کردن، مناطق روستایی نیز رقابت پذیری بازاری خود را افزایش خواهند داد. با این حال تخصصی کردن به فعالیت‌های بازرگانی و تجاری نیاز دارد. بنابراین مناطق روستایی باید روابطشان را در شبکه بازار به منظور ثمربخشی نتایج تخصصی سازی تقویت نمایند. مناطق شهری به عنوان گره‌های اصلی در شبکه بازار عمل می‌کنند. اتصال منطقه روستایی به شبکه بازار شامل جریان کالا، خدمات، مردم، دانش و مهم‌تر از همه اطلاعات می‌باشد. با این وجود جریانی نامتوازن ممکن است به وقوع بپیوندد و به احتمال زیاد مناطق روستایی از نظر قدرت چانه زنی در سطح پایینی قرار گیرند. تنها جریانی متعادل می‌تواند به پیوند سالم بین روستا و شهر^۸ کمک نماید. تحت چنین شرایطی، مناطق روستایی می‌توانند ارزش افزوده لازم را برای کالاهای خود ایجاد نمایند و در نتیجه با دستیابی به درآمد کافی برای پیشرفت بیش‌تر در تصاحب دانش و اطلاعات و سپس توسعه اقتصاد محلی کمک نمایند.

توسعه مناطق یا مراکز شهری کوچک یک راه غلبه بر این ناهمخوانی در رابطه با قدرت چانه زنی است. این مراکز شهری کوچک نقش تأمین‌کننده خدمات شهری و همچنین نقش گردآورنده و فرآورنده محصولات روستایی را برعهده خواهند داشت. روندینلی از این دیدگاه توسعه مراکز شهری کوچک به منظور تقویت پیوند سالم بین روستا-شهر دفاع و پشتیبانی می‌نماید. وی استدلال می‌کند که سه دلیل عمده پشت اثرات زیان‌آور الگوهای پیوند روستا-شهری موجود برای مناطق روستایی وجود دارد. این دلایل شامل عدم مراکز شهری کوچک قابل دسترسی، تدارک ناکافی امکانات و تسهیلات برای مناطق روستایی و انزوای بین استقرارگاه‌ها در مناطق روستایی است. فریدمن و داگلاس^۹ (۱۹۷۵) رویکرد اگروپولیتن را در مراکز شهری کوچک در حال توسعه، پیشنهاد می‌نمایند. این رویکرد شامل تمرکز برنامه‌های توسعه برای یک منطقه روستایی با اندازه جمعیتی بین ۵۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ نفر می‌باشد. طبق نظر پرادهن^{۱۰} (۲۰۰۳) رویکرد اگروپولیتن بر اساس استراتژی توسعه روستایی مائو تسه تونگ در چین مدل سازی شده که از اختیار و اقتدار در برنامه ریزی و تصمیم‌گیری به نفع مردم روستایی تمرکز زدایی نمود در عوض روستاییان می‌بایست مسئولیت کاملی را در قبال توسعه منطقه خود بپذیرند.

^۵ Lipton

^۶ Rondinelli

^۷ Specializing

^۸ Rural-urban linkage

^۹ Friedmann and Douglass

^{۱۰} Pradhan

این رویکرد نیز روی تصمیم موقعیت دقیق^{۱۱} تکیه دارد که خود در ارتقای سطح دسترسی روستایی به جذابیت های شهری بسیار حیاتی و مهم است.

اندونزی اولین کشوری بود که به طور کامل رویکرد آگروپولیتن را اتخاذ کرد و وزارت کشاورزی (MOA)^{۱۲} و وزارت امور عمومی (MPW)^{۱۳} نقش پیشستازی را در توسعه مراکز آگروپولیتن ایفا می کنند. با این وجود دیدگاه های متنوع و گوناگونی در تعریف توسعه آگروپولیتن وجود دارد. وزارت کشاورزی اندونزی آگروپولیتن را به عنوان شهرک کشاورزی تعریف می کند که خود به واسطه توسعه سیستم کشت تجاری (آگرو-بیزنس)ها و فعالیت های بازرگانی رشد و توسعه می یابد و در مقابل به توسعه آگرو بیزنس در مناطق روستایی پیرامونش نیز کمک می نماید. تعریف (MOA) بین توسعه آگروپولیتن و منطقه آگروپولیتن تمایز قائل می شود. منطقه آگروپولیتن به عنوان نظامی از شهرک های کشاورزی و تولید کنندگان روستایی پیرامون آنها تعریف شده است. مرزهای منطقه ای طبق قلمرو قدرت اداری ترسیم نشده است؛ بلکه در عوض بر اساس اقتصاد مقیاس تعیین شده است. بنابر این وزارت کشاورزی اندونزی توسعه یک منطقه آگروپولیتن را به عنوان توسعه اقتصادی کشاورزی محور تعریف می کند که از طریق هم افزایی پتانسیل های گوناگون برای تشویق توسعه یک نظام آگرو بیزنس رقابتی طراحی و اجرا می شود. این نظام می بایست مردم محور، پایدار و غیر متمرکز بوده و توسط مردم محلی با حمایت دولت اجرا شود (آگرو پولیتن، ۲۰۰۲).

تعاریف MOA در جهت این است که نشان دهد آگروپولیتن صرفا شامل توسعه تسهیلات و امکانات شهری در مناطق روستایی است. تهیه و تأمین تسهیلات و امکانات شهری مانند برق، جاده، انبارها و تأسیسات فنی، بازارها به طور کافی در نظر گرفته می شوند تا از این حیث مناطق روستایی به شهرک های کشاورزی تبدیل شوند. داشتن امکانات شهری به عنوان پیش شرطی اصلی برای توسعه فعالیت های کشاورزی مد نظر می باشد که در نتیجه موجب بهبود رفاه کشاورزی می شود. این تعریف البته نا درست نیست و ممکن است بیش از حد به ساده سازی فرایند واقعی دست زده باشد.

ایده اصلی توسعه آگروپولیتن پاسخی به توسعه منطقه ای شهر محور^{۱۴} و بنابراین تمرکز و توجه بر تقویت و بهبود پیوند های روستا- شهری است. بنابراین نسبی بودن توسعه منطقه روستایی در ارتباط با مناطق شهری باید مورد توجه قرار گرفته شود و به حساب آید. این موضوع بسیار مهم است که تعاریف دیگری از توسعه آگروپولیتن را جهت دستیابی به تعریفی غنی تر مورد توجه قرار دهیم. سائف الحکیم^{۱۵} (۲۰۰۴) توسعه آگروپولیتن را با استفاده از تجزیه این اصطلاح به دو اصطلاح دیگر یعنی آگرو و متروپولیس^{۱۶} تعریف می کند. کلمه آگرو در زبان لاتین به معنای مدیریت زمین و یا کشت محصولات زراعی می باشد. متروپولیس به یک نقطه یا محل مرکزی برای فعالیت های مختلف اشاره دارد. بنابراین آگروپولیس یا آگرو مترو پولیس می تواند به عنوان یک نقطه مرکزی که به مراکز اقتصادی کشاورزی محور^{۱۷} خدمت می کند تعریف شود.

۱۱ Careful Location Desision

۱۲ Ministry of Agriculture

۱۳ Ministry of Public Works

۱۴ urban-biased regional development

۱۵ Saefulhakim

۱۶ Metropolis

۱۷ Gricultural-based economic centers

توسعه آگرو پولیتن می تواند همچنین با توسعه جنبه های گوناگون نقش یک آگرو پولیس را به عنوان یک مرکز خدمات برای منطقه ای با فعالیت اقتصادی کشاورزی محور مورد تأکید قرار دهد.

طبق نظر انور^{۱۸} (۲۰۰۴)، مناطق آگرو پولیتن می توانند به عنوان مکان های مرکزی و یا اصلی که دارای ساختاری سلسله مراتبی باشند تعریف شوند. یک آگرو پولیس به طور خاص به روستا-شهر کوچکی اشاره دارد که می تواند با توجه به کارکرد هماهنگ کننده اش از فعالیت های اصلی آگرو بیزنس، رشد کند و توسعه یابد. بنابراین یک منطقه آگرو پولیتن می تواند به عنوان سیستمی کارکردی شامل یک یا تعداد بیش تری از مناطق شهری کشاورزی پایه در یک منطقه کشاورزی خاص که از طریق سلسله مراتب فضایی برای واحد های استقرار کشاورزان مشخص می گردد، تعریف شود. این سلسله مراتب فضایی^{۱۹} مرکب از یک مرکز آگرو پولیتن و مراکز تولید پیرامون می باشند. طبق نظر راستدی^{۲۰} (۲۰۰۴) توسعه آگرو پولیتن مدلی است متکی بر تمرکز زدایی و تدارک زیرساخت شهری در مناطق روستایی که در نتیجه منجر به شهرگرایی^{۲۱} می شود. در این مورد شهرنشینی یا شهرگرایی به عنوان یک جنبه مثبت در نظر گرفته شده است که در آن مناطق روستایی تحولات را به سمت شهری شدن تجربه می کنند. بدین ترتیب این خود به غلبه اقتصادهای نامقیاس^{۲۲} همراه با توسعه و تحولات شهری مانند مهاجرت بسیار زیاد به مناطق شهری، آلودگی، ازدیاد ترافیک، استقرار گاه های نامناسب و پرجمعیت و تقلیل منابع کمک می نماید.

با ترکیب تعاریف گوناگون می توانیم اصطلاح آگرو پولیتن را به شکل زیر تعریف کنیم:

۱- منطقه آگرو پولیتن منطقه ای مبتنی بر سیستم کارکردی که شامل یک منطقه یا مناطق شهری کشاورزی محور (آگرو پولیتن) بیش تر در یک منطقه خاص با تولیدات کشاورزی خاص می باشد که به وسیله وجود چنین سیستم (نظام) پیوند کارکردی و سلسله مراتب فضایی از استقرار گاه ها، واحدهای تولیدی و نظام های آگرو-بیزنس^{۲۳} مشخص و ممتاز می گردد. این منطقه می تواند با، یا بدون برنامه ریزی رسمی به وجود آید

۲- یک آگرو پولیتن یک مکان مرکزی است که به مراکز فعالیت های اقتصادی کشاورزی پایه پیرامون خود خدمت می نماید.

۳- توسعه آگرو پولیتن یک رویکرد توسعه روستایی است که توسعه مناطق شهری کشاورزی محور (آگرو پولیس) را به عنوان بخشی از یک سیستم شهری با هدف ایجاد یک توسعه منطقه ای متوازن از طریق هم افزایی پیوند روستا-شهر^{۲۴} برجسته و نمایان می سازد

۱۸ Anwar

۱۹ Spatial hierarchy

۲۰ Rustiadi

۲۱ Urbanization

۲۲ Diseconomies of scale

۲۳ Agrobusiness systems

۲۴ Synergetic rural-urban linkage

هدف توسعه آگروپولیتن

- با رجوع به پیشینه و تعریف اصطلاح آگروپولیتن می توانیم اهداف توسعه آگروپولیتن را در درون زمینه توسعه بینا منطقه ای به شکل زیر تعریف نماییم:
- ۱- ایجاد توسعه متوازن روستا-شهر^{۲۵}.
 - ۲- بهبود هم افزایی پیوند روستا-شهر.
 - ۳- توسعه اقتصاد و محیط استقرار گاه های روستایی کشاورزی محور.
 - ۴- رشد و تجدید حیات مراکز شهری کوچک^{۲۶}.
 - ۵- تنوع و توسعه درآمد و پایه های رفاه.
 - ۶- تحقق یک منطقه روستایی خود اتکاء و مستقل.
 - ۷- جلوگیری از مهاجرت بی رویه روستا-شهر در جهت کمک به حل مسائل اجتماعی شهری.
 - ۸- بازیابی و ترمیم منابع طبیعی و محیط زیست.
 - ۹- توسعه کالاهای اصلی کشاورزی فرآوری شده.
 - ۱۰- تأمین و تدارک زیرساخت کافی استقرار گاه و امکانات برای یک استاندارد شهر.
 - ۱۱- تهیه و تأمین زیرساخت های کافی تولید و امکاناتی که برای مردم منطقه قابل دسترس باشند.

معیارهای توسعه آگروپولیتن^{۲۷}

- با مراجعه به تعاریف و اهداف توسعه منطقه ای آگروپولیتن می توان ملاک هایی را در تعیین ویژگی های یک منطقه توسعه آگروپولیتن به شرح ذیل به دست داد:
- ۱- دارا بودن ظرفیت برد^{۲۸} کافی شامل مناسب بودن خاک و اقلیم.
 - ۲- تولید کالاهای کشاورزی عمده فرآوری شده.
 - ۳- ب دو عامل وسعت منطقه و جمعیت در تناسب با نیاز و اقتصاد مقیاس^{۲۹} باشند. (به شکل ایده آل در شعاع ۱۰ کیلومتر و شامل روستاهایی از یک تا حداکثر سه زیر بخش مختلف)..
 - ۴- امکانات و زیر ساخت های استقرار گاه شهری.
 - ۵- داشتن زیر ساخت تولید و امکانات که برای افراد محلی قابل دسترس باشند.
 - ۶- شامل یک یا تعداد بیشتری مراکز کارکردی شهری کوچک مقیاس که به لحاظ کارکردی بامناطق تولید کشاورزی پیرامون یکپارچه شود.

^{۲۵} Balanced rural-urban development

^{۲۶} Small urban centers

^{۲۷} Criteria of Agropolitan Development

^{۲۸} Carrying capacity

^{۲۹} Economies of scale

- ۷- داشتن سیستم های مدیریت با اختیار و استقلال^{۳۰} کامل.
- ۸- دارا بودن یک سیستم آرایش فضایی کنترل شده و برنامه ریزی شده.
- ۹- توانا سازی بخش های توسعه ثانویه (ساخت و تولید صنعتی^{۳۱}) و ثالثه (خدمات^{۳۲}).
- ۱۰- دارا بودن نهادهای قوی اقتصادی جامعه محلی.
- ۱۱- دسترسی کافی به منابع اقتصادی برای محلی ها.

معیارها و ملاک های یک اگروپولیتن (مرکز رشد شهری با محوریت کشاورزی)

- ۱- مرکز استقرار گاه های با بالاترین دسترسی به لحاظ داخلی (با مناطق دیگر در درون منطقه اگروپولیتن) و به لحاظ خارجی (با دیگر مراکز شهری).
- ۲- مرکز فعالیت هایی برای فرآوری و توزیع تولیدات کشاورزی (مزرعه) که با استفاده از تمرکز امکانات و نهادهای اگروبیزنس مشخص و تعریف می شود.

مؤلفه های توسعه اگروپولیتن

طبق نظر روندینلی (۱۹۸۵)، توسعه سیستم های اگروپولیتن در مناطق روستایی به لحاظ بنیادی به سمت افزایش بهره وری و فروش کشاورزی جهت گیری شده است. این امر از طریق حمایت رشد صنایع فرآوری کشاورزی (تبدیلی) کوچک و میان مقیاس^{۳۳} به علاوه رشد تنوع فعالیت های اقتصادی در مرکز بازار به دست می آید.

این فعالیت ها با این وجود باید برای ساخت یک پیوند هم افزا و تعاملی بین صنایع شهری و مزارع روستایی سازماندهی شوند. این پیوند شامل تدارک امکانات و تسهیلات، خدمات، نهادهای کشاورزی و دسترسی به استقرار گاه های روستایی و به ویژه در در غلبه بر هزینه بالای تدارکات برای سکنه با توجه به جمعیت پراکنده می باشد. سرمایه گذاری های جاده ای و راه ها در پیوند بین بازار با مراکز اقتصادی منطقه ای بسیار مهم می باشد. با این وجود زمانی که قابلیت دسترسی به بازار یا مرکز شهری کوچک از روستاها بالا باشد، توسعه جاده های پیوند دهنده بازار و نیاز روستاها در سطحی نیست که برای حمل و نقل بین منطقه ای مورد نیاز باشد. می بایست به تأمین آب، مسکن، امکانات بهداشتی و خدمات اجتماعی در مراکز شهری کوچک که در بهبود بهره وری نیروی کار بسیار حیاتی اند توجهی خاص قایل شد.

اشتغالات غیر کشاورزی^{۳۴} (غیر مرتبط با مزرعه) و فعالیت ها و سرگرمی های شهری نیز باید در دسترس باشند به طوری که در عدم تشویق مهاجرت ها به مناطق و مکان های خارج از منطقه به آنها کمک کنند. طبق نظر انور (۲۰۰۱)، مناطق شهری کوچک می توانند از طریق سیاست ایجاد جذابیت انگیزه های اقتصادی^{۳۵} توسعه یابند.

۳۰ Autonomy

۳۱ Manufacturing

۳۲ services

۳۳ Small to medium scale agro-processing industries

۳۴ Off-farm employments

۳۵ Economic incentives

توسعه مناطق شهری کوچک (مراکز میکروپولیتن) شامل تأمین امکانات عمومی به علاوه جذابیت‌ها و سرگرمی‌های فوق‌الذکر، یک مرکز تفریحی، برق، نهادهای مالی، نهادهای آموزشی، باغات و فضاهای باز، سیستم دفع فاضلاب و زباله و سیستم‌های ارتباطی می‌باشد. طبق نظر جونگ^{۳۶} (۱۹۸۸)، نقش‌هایی که باید توسط مرکز شهری کوچک در ارتقای توسعه روستایی ایفا شود، به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- مرکز تأمین کالاهای بادوام و کم‌دوام و مصرفی.
- ۲- مرکز خدمات خصوصی و عمومی.
- ۳- پیوند با بازارهای بزرگتر برای تولیدات روستایی.
- ۴- مرکز عرضه عوامل تولید.
- ۵- مرکز فرآوری کشاورزی^{۳۷}.
- ۶- مرکز دانش و اطلاعات.

انور (۲۰۰۱) استدلال می‌کند مهم‌ترین نقش تهیه و تأمین زیرساخت‌ها در مراکز شهری کوچک، کاهش ناهمخوانی بین بهره‌وری کشاورزی و بخش‌های غیرکشاورزی از طریق بهبود سرمایه انسانی و کاربردهای تکنولوژیکی در مناطق روستایی پیرامون می‌باشد. توسعه بخش‌های غیرکشاورزی می‌تواند در پایین آوردن بیکاری و بهتر کردن تراز تجاری کمک نماید. با این وجود این خود به شدت از طریق توانایی در ارتقای مزیت‌های نسبی در تولیدات اصلی منطقه تعیین می‌شود که باید به شکل ایده آل معیاری برای برآوردن نه تنها استانداردهای ملی، بلکه استانداردهای بین‌المللی نیز باشد. بنابراین نیاز به استفاده از مزیت‌های نسبی که محدود به شرایط اکوسیستم باشند وجود دارد و تأمین زیرساخت و توسعه سیستم آگروبیزنس باید در تطابق با شرایط اکوسیستم و نیازهای بومی باشد. مؤلفه‌های اساسی یک منطقه آگروپولیتن در جدول زیر نشان داده شده است (راستدای و دیگران، ۲۰۰۵).

جدول شماره ۱: نظام‌ها در ناحیه آگروپولیتن

نظام سکونت و استقرار ^{۳۹}	نظام آگرو-بیزنس ^{۳۸}	
مرکز فعالیت‌های محلی، تأمین آب سالم، برنامه و عملیات فاضلاب، ارتباطات از راه دور و مخابرات، طرح تفصیلی آرایش فضایی ^{۴۲}	بازار کشاورزی ^{۴۰} ، بخش حمایت‌های بلنکی، مرکز پشتیبانی و خدمات کشاورزی، مرکز کشت و صنعت ^{۴۱} ، دفتر مدیریت آگروپولیتن	مرکز کارکردی شهری اصلی

^{۳۶} De Jong

^{۳۷} Agro-Processing

^{۳۸} Agro-Business System

^{۳۹} Settlement System

^{۴۰} Agricultural Market

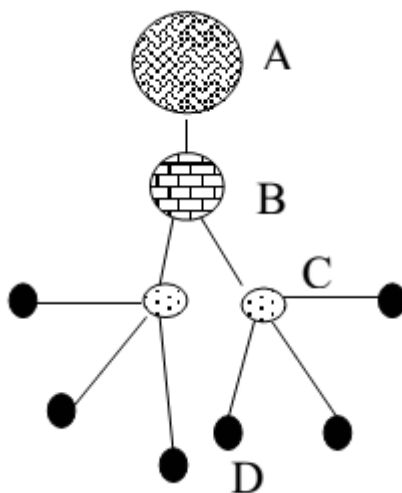
^{۴۱} Agro-industry Center

^{۴۲} Detailed Spatial Arrangements Plan

گرچه وجود مرکز شهری کوچک می تواند به ارتقای توسعه روستایی کمک کند. عامل مهم دیگری که باید به حساب آید، الگوی فضایی است که شامل شبکه جاده ای درون منطقه ای است و این که کدام یک این منطقه را با دیگر شهرها مرتبط می سازد. طبق نظر اسمیت^{۴۳} الگوهای فضایی که اغلب مناطق روستایی را بی مزیت فرض می کنند سیستم هایی درختی، خورشیدی و شبکه ای هستند. سیستم خورشیدی الگویی است که در آن یک منطقه شهری بزرگ به طور مستقیم در نزدیکی و مجاورت مناطق روستایی قرار می گیرد. سیستم شبکه ای الگویی است که در آن مرکزی برای فعالیت ها وجود ندارد. بعید است که هر دوی این الگوها در یک مدل آگروپولیتن ظاهر شوند. همچنین این استدلال وجود دارد که سیستم درختی ممکن است مناطق روستایی را بی مزیت فرض کند و این نیز در تضاد با مفهوم آگرو پولیتن می باشد. این استدلال در مقابل یک سیستم درختی بر اساس این فرض می باشد که باید گزینه هایی برای مرکز فعالیت های اقتصادی برای رساندن محصولات وجود داشته باشد. با این وجود مفهوم آگروپولیتن بر روی داشتن یک مرکز شهری کوچک تکیه دارد تا به طور مؤثر به مناطق پیرامونی روستایی خدمت نمایند. سیستم درختی الگویی است که در شکل زیر نشان داده می شود.

شکل شماره ۱: سیستم منطقه ای درختی^{۴۴}

مناطق روستایی = D = شهرهای کوچک = C = شهر متوسط = B = شهر بزرگ = A



منبع: راستدای و دیگران، (۲۰۰۵)

^{۴۳} Smith

^{۴۴} Dendritic Regional System

این استدلال که یک مونوپولی^{۴۵} قدرت به وسیله یک مرکز بازار^{۴۶} ممکن است مناطق روستایی را بی مزیت فرض کند، قابل قبول و منطقی می‌نماید. با این وجود داشتن آلترناتیو بیش از یک مرکز بازار در جهت ارائه گزینه‌هایی برای تولیدکنندگان روستایی امکان‌پذیر نیست. یک راه غلبه بر این مشکل، بهبود پیوندهای بین تولیدکنندگان روستایی است که شاید جریان یکپارچه اطلاعات را که در افزایش قدرت چانه‌زنی روستایی و ارائه انتخاب‌هایی که برای پیوند پیش رو مهم و حیاتی می‌باشند تسهیل نماید. ارتباطات و حمل و نقل بین روستایی می‌تواند با توجه به هزینه‌های مربوطه و ضرورت کم آن در مرحله اول توسعه آگروپولیتن، به مرحله بعد گسترش یابد.

شرکت‌های سهامی زراعی از منظر تحولات نظام بهره‌برداری از منابع در ایران

در تیپولوژی جدید سه نوع نظام بهره‌برداری اصلی یا اصیل به شرح زیر تشخیص داده شده‌اند که برخی از آن‌ها خود شامل یک یا چند گونه یا نوع فرعی‌اند: (عبداللهی، ۱۳۷۷: ص ۱۲۲ و ۵۳)

- نظام بهره‌برداری دهقانی شامل واحدهای خرد و دهقانی
- نظام‌های بهره‌برداری تعاونی شامل:
 - تعاونی‌های سنتی، مشاع‌ها یا شرکت‌های غیررسمی
 - تعاونی‌های مشاع
 - شرکت‌های تعاونی تولید روستایی (شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی)
 - نظام بهره‌برداری تجاری (شرکت‌های تولید کشاورزی) شامل:
 - واحدهای شخصی - شرکتی غیررسمی
 - شرکت‌های سهامی زراعی
 - شرکت‌های کشت و صنعت

در ایران نظام‌های بهره‌برداری نه فقط به لحاظ عنوان و صورت، بلکه از نظر نوع و ماهیت و ویژگی‌های عناصر اصلی یعنی سازمان مدیریت، سطح اطلاعات، تکنولوژی، توسعه، فضا و جمعیت، محیط، وسعت و مشخصات اراضی و تعداد و مشخصات اعضا و کارکنان و نیز نوع ارتباط و تطابق با شرایط طبیعی و اجتماعی محیط خود و در نتیجه کم و کیف عملکرد از جمله بهره‌وری و بازدهی عوامل تولید، تأمین درآمد و رفاه زندگی اعضا، میزان استفاده از نهاده‌ها و روش‌ها و فنون نوین کشاورزی، حفظ محیط و جلوگیری از ضایعات و بالاخره از نظر جایگاه و نقشی که در فرآیند رشد و توسعه کشاورزی دارند با یکدیگر بسیار متفاوت‌اند.

سهامی زراعی آن نوع نظام بهره‌برداری است که با حفظ اساس مالکیت و تنها با تغییر شکل آن از سنتی به مدرن (سهامداری)، برنامه‌ریزی اجرایی کلیه منابع و عوامل تولید کشاورزی را تحت مدیریت یکپارچه و متمرکز قرار داده و

۴۵ Monopoly

۴۶ Market center

تصمیم سازی های کلیدی در آن تحت فرآیندهای جمعی و متناسب با قواعد و رویه های حقوقی و قانونی حاکم بر آن نظام شکل می گیرند (عبداللهی، ۱۳۷۶).

سابقه شرکت های سهامی زراعی

قانون شرکت های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۱ اصلاحاتی در آن به عمل آمد. اساسنامه مربوط به این قانون نیز در سال های مذکور مورد تصویب و همچنین اصلاح قرار گرفت. در اجرای قانون شرکت های سهامی زراعی و با توجه به اساسنامه مربوط در سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶، ۹۳ شرکت سهامی زراعی تشکیل گردید که در جریان انقلاب اسلامی اکثریت آن ها که هنوز نهادینه نشده بودند منحل شدند و تعدادی نیز در سال های بعد به شرکت های منحل شده قبلی پیوستند؛ به گونه ای که از مجموع این شرکت ها تنها چهار شرکت در قاننات (اسلام آباد-خضری)، تربت جام (نیل آباد) و گلپایگان البته با موفقیت قابل توجهی فعالیت خود را ادامه می دهند (حقوقی، ۱۳۹۱: ۵۸).

برخی ویژگی های شرکت های سهامی زراعی

۱- این شرکت ها نوعی از نظام بهره برداری مبتنی بر مدیریت متمرکز بوده و بهره برداران با واگذاری حق استفاده مطلق و دائم اراضی در آن عضویت یافته و متناسب با ارزش این حق و مقدار و موقعیت اراضی مربوط و ارزش عوامل زراعی و باغی سهام دریافت می نمایند و به عنوان سهامدار شرکت محسوب می شوند.

۲- این شرکت ها وابستگی به دولت ندارند و ماهیت و اساس و ساختار آن در حال حاضر خصوصی است. با این حال شکل کار صورت جمعی و مشارکتی است که بر اساس قانون و مقررات مربوطه برای جلوگیری از خرد شدن اراضی و افزایش بهره وری منابع آب و خاک و بهبود مدیریت تولید، صورت حقوقی پیدا نموده و ارکان آن نیز شامل مجمع عمومی، هیئت مدیره، بازرسان و مدیرعامل است. اساسنامه خاص این شرکت ها حدود وظایف و اختیارات هر کدام را تعیین نموده است.

۳- سهامداران، تحت مدیریت شرکت در گروه های مختلف تولیدی شکل می گیرند و امور مربوط به کاشت، داشت و برداشت و فعالیت های پس از برداشت را نیز انجام خواهند داد. این گونه همکاری تحت عنوان تئازکاری (تجربه شرکت های سهامی زراعی فعال کشور) خوانده می شود. در تئازکاری کلیه نهاده ها و ابزار و عوامل کشت توسط شرکت فراهم می شود و در اختیار گروه تولیدی قرار می گیرد و حتی برداشت و بخشی از مراحل داشت که به شکل مکانیزه است نیز توسط شرکت سهامی زراعی اجرا می شود و در قبال آن درصدی از محصول سهم شرکت می گردد و درصدی نیز به گروه تولیدی تعلق می گیرد. توافق در خصوص میزان درصدهای متعلقه بسته به نوع محصول و شرایط منطقه و قرارداد فی مابین متفاوت خواهد بود. درآمد سهم شرکت نیز پس از جمع درآمد کل ناشی از همه گروه های تولیدی و کسر هزینه های انجام شده نیز به نسبت سهام بین سهامداران توزیع می گردد. بنابراین هر سهامدار از دو منبع درآمدی یکی میزان درآمد حاصل از فعالیت خود در

فعالیت ها و برنامه‌های تولیدی شرکت و دومی میزان درآمد حاصل از سود سهام به نسبت سهم خود از کل درآمد شرکت نصیب خواهد برد.

۴- ساختار فنی و مدیریتی این شرکت ها بر اساس تجارب و نمونه های موفق موجود در کشور به گونه ای است که به دلیل امکان استقرار صنایع کشاورزی و تبدیلی و جانبی روستایی و توسعه صنایع دامپروری و شیلات ، توسعه مکانیزاسیون و کارگاه های وابسته به ماشین آلات و صنعت، انبارهای فنی نگهداری، امور خدمات، موجب اشتغال زایی می گردد. ضمن آن که عدم حضور تولیدکنندگان و یا سهامداران در مواردی که منافع شان ایجاب نماید نیز تهدیدی برای ادامه فعالیت های شرکت نیست و عرصه کشت و کار و توسعه آبادانی همچنان با مدیریت شرکت حفظ می گردد.

۵- امکان اصلاح و بهبود خاک ، افزایش و بهبود سطح تکنولوژی آبیاری، جلوگیری از هدر رفتن منابع آب، استفاده بهینه از میزان آب قابل دسترس با مدیریت مصرف آب و استفاده از سیستم های کم آبیاری و مدیریت کشت و کار افزایش می یابد.

۶- قابلیت انجام یکپارچه سازی اراضی و اجرای طرح های نوین و اصلاح و ساماندهی منابع آب و خاک به دلیل مدیریت واحد و صحرابندی های فنی امکان پذیر می باشد.

۷- طرح ها و پروژه های توسعه ای سازه های کلانی را ایجاد می کنند که مدیریت و نگهداری و پایداری آنها همیشه از معضلات کلیدی بوده است. شرکت های سهامی زراعی به دلیل مدیریت واحد و شکل حقوقی آن توان مدیریت منابع آب و خاک و حفاظت و نگهداری از سرمایه گذاری های انجام شده و تاسیسات و سازه های ایجاد شده را در جهت افزایش بهره وری و تولید دارا می باشند.

۸- ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی، انبارهای فنی نگهداری محصولات کشاورزی، صنایع سورتینگ و درجه بندی، صنایع جانبی روستایی مکمل چرخه تولید نیز هستند و سود حاصل از ارزش افزوده کالاهای فرآوری شده را نصیب سهامداران و جامعه روستایی می کند. ضمن آن که خود این صنایع و مشاغل و خدمات فنی مرتبط با آنها ، زمینه اشتغال زایی و توسعه مناطق روستایی را فراهم می آورند. در این راستا زنجیره توسعه کشاورزی روستا مبتنی بر تحرک صنعتی به سمت توسعه صنایع جانبی روستایی و ایجاد کارگاه های صنایع دستی و حرف و مشاغل غیر کشاورزی سوق پیدا خواهد کرد و زمینه های تاسیسات رفاهی و امکانات بهداشتی و مجموعه های تفریحی را با توجه به قانون تشکیل این واحدها در بر خواهد داشت ، این وضعیت شرکت های سهامی زراعی را به الگوهای توسعه روستایی تبدیل می نماید.

۹- زنجیره های افقی تولید شامل توسعه دامپروری، توسعه باغات، توسعه شیلات و آبزیان و توسعه جنگل و مرتع در کنار زنجیره های عمودی تولید، پس از تولید، فرآوری و توزیع و مصرف، زمینه های رشد کشاورزی پایدار و توسعه کشاورزی مدرن و توسعه روستایی را در تمامی ابعاد فراهم می سازند.

۱۰- این شرکت ها به دلیل مدیریت واحد و کنترل بر تولید و توزیع و به دلیل توسعه برخی زیرساخت‌های بازرگانی و وجود انبارهای فنی و نگهداری می‌توانند در مقیاس‌های وسیع در تبادلات تجاری وارد شوند، زیرا در وضعیت شرایط رفاه و وضعیت توسعه‌ای راه‌ها و ارتباطات و سطح درآمد و امکانات بهداشتی و آموزشی مناسب مردم، این مهم که در شرایط کشاورزی تجاری که یکی از مولفه‌های تعیین کننده است، فراهم می‌گردد. این شرکت‌ها در آن شرایط و در صورتی که در شبکه‌های به هم پیوسته‌ای قرار گیرند و با هوشمندی و پیش بینی تحولات بازار و نوسانات قیمت، در روند بازار تعیین کننده خواهند بود. آن‌ها در این حالت برنامه ریزی و تولید و کشت را با شرایط اقتصادی و بازار متناسب می‌نمایند. و از قدرت رقابت بالایی برخوردار خواهند شد.

۱۱- با تاسیس شرکت‌های سهامی زراعی و مطابق قانون. یژه آن‌ها، سیاست‌های برنامه ریزی روستایی دستگاه‌های گوناگون، توسط خود مردم و با مدیریت آنان به شکل منسجم‌تری عملی خواهد شد.

۱۲- توسط این شرکت‌ها امکان استفاده از اراضی بایر و مسلوب‌المنفعه دولت فراهم می‌آید و سطح زیر کشت توسط مردم و با مدیریت آنان افزایش می‌یابد. به این ترتیب مدیریت منابع آب و خاک و جنگل و مرتع تحت یک سازماندهی فنی و مشخص و معنی دار، شکل خواهد گرفت.

۱۳- یکی از مشکلات گروه‌های هدف در برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه و رفاه در جامعه روستایی، فعالیت در شکل پراکنده و نامشخص و متغیر افراد و مناطق گوناگون است. هر برنامه آموزشی، سیاست بهداشتی و یا هر زیرساخت توسعه‌ای و سازه فنی برای ارائه و ایجاد و احداث در مناطق روستایی با این معضل مواجه است. بنابراین در قالب یک شرکت سهامی زراعی کارآمد و با مدیریت موثر واحد که مشارکت مردم در قالب گروه‌های تولیدی و کار در درون آن تعریف مشخصی دارد، می‌توان جذب این خدمات را راسه‌تر نمود و انگیزه سازمان‌ها و نهادهای توسعه‌گر را برای خدمت به بخش‌های روستایی افزایش داد. (پاک‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۵).

منابع فارسی

- ۱- پاک‌نیا، شهریار (۱۳۸۷). «گزارش برنامه توسعه و عملیات شرکت‌های سهامی زراعی» تهران: وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، دفتر نظام‌های بهره‌برداری.
- ۲- حقوقی اصفهانی، مرتضی (۱۳۹۱). «شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، الگویی فراگیر در نظام بهره‌برداری کشاورزی ایران»، تهران: نشر سمیر با همکاری جامعه مشاوران ایران. چاپ اول، ص ۵۸.
- ۳- عبدالمهی، محمد. «نظام‌های بهره‌برداری» تهران: وزارت کشاورزی، معاونت نظام بهره‌برداری، ۱۳۷۷.

منابع انگلیسی

- ۱- Agropolitan (۲۰۰۲), Ministry of Agriculture, Jakarta.
- ۲- Anwar, A. (۲۰۰۰), 'Modeling of Regional Activities Concentration: Course Notes', Bogor Agricultural University, Bogor.
- ۳- Anwar, A. (۲۰۰۱), 'Rural Regional Development with Spatial Decentralization through Agropolitan Development that Replicates Small and Medium Size Cities', paper presented at the Discussion on Pioneer Project for Rural Development, Bogor, ۱۰ July.
- ۴- Anwar, A. (۲۰۰۴), Rural Organization System: Course Notes, Bogor Agricultural University, Bogor. ۲۷۱.
- ۵- Anwar, A. (۲۰۰۶), 'Micropolitan Development Institutional Model in Promoting Agricultural Sectors and the Complementary Sectors in Rural Areas', in Rustiadi E. et al (eds), Agropolitan Region: A Concept for Balanced Rural and Urban Development, Crespent Press, Bogor.
- ۶- Anwar, A. and Rustiadi, E. (۲۰۰۰), 'Rural Spatial Development Perspective in Accordance with Regional Development: Course Notes', Bogor Agricultural University, Bogor.
- ۷- Christaller, W. (۱۹۳۳), Die zentralen Orte in Süddeutschland (English Translation by Baskin, C.W. (۱۹۶۶), Central Places in Southern Germany, Prentice-Hall, London).
- ۸- De Jong, G.F. and Gardner, R.W. (۱۹۸۱), Migration Decision Making: Multidisciplinary Approaches to Micro Level Studies in Developed and Developing Countries, Pergamon Press, New York.
- ۹- De Jong, W. (۱۹۸۸), The Role of Towns in Rural Development: A Case Study of Banjarnegara, Central Java, UGM Press, Yogyakarta.
- ۱۰- Douglass, M. (۱۹۹۸), A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia, International Development Planning Review, vol. ۲۰, no. ۱, pp. ۳۰۵-۳۰۸.
- ۱۱- Friedmann, J. and M. Douglass (۱۹۷۵), "Agropolitan Development: Towards a New Strategy for Regional Planning in Asia." In: United Nations Centre for Regional Development, Growth Pole Strategy and Regional Development Planning in Asia. Nagoya, pp. ۳۳۳-۳۸۷.
- ۱۲- Lipton, M. (۱۹۷۷), Why Poor People Stay Poor, Gower, London.
- ۱۳- Lipton, M. (۱۹۸۰), Migration from Rural Areas of Poor Countries: the impact on Rural Productivity and Income Distribution. In Migration and the Labor Market in Developing Countries. Edited by R. Sabot, Boulder, Westview Press.

- 14-Mills, E.S. and Hamilton, B.W. (1994), *Urban Economics*, 2nd ed, Harper Collins College Publishers, New York.
- 15-Pradhan, K. P. (2003), *Manual for Urban Rural Linkage and Rural Development Analysis*, New Hira Books Enterprises, Kathmandu.
- 16-Rondinelli, D.A.(1982), The potential of secondary cities in facilitating deconcentrated urbanization in Africa, *African Urban Studies*, vol. 13, Spring, pp. 9-29.
- 17-Rondinelli, A. D. (1980), *Applied Methods of Regional Analysis – The Spatial Dimensions of Development Policy*, Westview Press / Boulder. London.
- 18-Rondinelli, D.A.(1988), Market town and agriculture in Africa: The role of small urban centres in economic development, *African Urban Quarterly*, vol. 3, no. 1, pp. 3-10.
- 19-Rondinelli, D.A.(1991), Asian urban development policies in the 1990s: from growth control to urban diffusion, *World Development*, vol. 19, no. 4, pp. 791-803.
- 20-Rustiadi, E. (2004), *A Study on the Development of Model and Typology for Agropolitan Region*, Ministry of Public Works, Jakarta.
- 21-Rustiadi, E., Sitorus, S., Dardak, E.E., Pribadi, D.O. (2000), 'Concepts and Management of Decentralized Agropolitan', Paper presented at the National Workshop on Agropolitan and Metropolitan, Jakarta, 2.
- 22-Rustiadi, E. and Hadi, S. (2006), 'The Development of Agropolitan as a Strategy for a Balanced Rural and Urban Development', in Rustiadi E. et al (eds), *Agropolitan Region*:
- 23-Saefulhakim, S. (2004), *Development of Agropolitan to Promote Rural-Urban Development*, Paper presented at the workshop on Agropolitan development as a strategy for balanced rural and urban development", Bogor, 0 November.
- 24-Smith, A. C. (1976), *Regional Analysis: Volume I Economic System*, Department of Anthropology Duke University, Durham.